

آغاز نگارش

ایران در اواخره هزاره سوم ق.م.

طی هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م. فلات ایران به چند منطقه فرهنگی متمایز از یکدیگر تقسیم شده بود. فرهنگ گرگان سراسر منطقه شرق دریای مازندران را در بر می گرفت. فرهنگ گیان چهارم- سوم و گودین چهارم، منطقه شرق لرستان را شامل می گردید. فرهنگ یانیک ، از شرق آذربایجان آغاز شده و تا قسمتهای مرکزی ایران گسترش یافته بود. در جنوب ، جنوب شرقی و شرق ایران، سه فرهنگ مختلف با سفالهای منقوش ، فارس، کرمان و سیستان را زیر پوشش خود در آورده بود.

شرق دریای مازندران

فرهنگ گرگان

در شمال شرقی فلات ایران سفال خاکستری فرهنگ گرگان ترکیبی بود از فرهنگ بومی منطقه و عناصری که به احتمال از غرب وارد منطقه شده بودند. آثار این فرهنگ را می توان در نقاطی مانند " شاه تپه " " تورنگ تپه " " یاریم تپه " " دره گز" و چند محل دیگر مشاهده کرد.

سفال خاکستری منطقه گرگان ، حتی تا تپه " حصار " در نزدیکی دامغان در حاشیه فلات مرکزی نیز گسترش پیدا کرده بود طبقات و لایه های اصلی استقرار در این دوره از فرهنگهای پیش از تاریخ ایران، به نیمه دوم هزاره سوم ق.م. تعلق دارند. به نظر می رسد که استقرار عصر مفرغ دریایم تپه و در دوره IIIb در تپه " حصار " دامغان بر اثر ورود مهاجمان شرقی در یک زمان به پایان رسیده باشد. تپه " حصار " در دوره IIIC دوباره آزاد شد و جوامع مستقر در " شاه تپه " و " تورنگ تپه " بدون وقوع حادثه ای به زندگی خود ادامه دادند.

سفال این مرحله تداوم سفال خاکستری داغدار لایه های قدیمتر است. ظروف سفالین معمولاً با خطوط متقاطع یا جنافی داغدار تزیین شده بودند. کوزه های بلند ، ظروف با لوله های ناودانی و قمقمه از شکلهای متداول دوره حصار IIIb است. برخی از ظروف ، مانند ظروف میوه خوری پایه بلند و کوزه های استوانه ای لوله دار، از سنگ مرمر ساخته شده بود. از فراوانی اشیای مسی گرگان در این دوره به آسانی به آن فلز دسترسی داشته اند. تیغه های خنجر سر تکمه ای، مهره ای مسطح مسی، چکش، تبر، سنجاچه های سرگرد و علمهایی با سرمقوش، از جمله اشیای مسی به دست آمده از قبور را تشکیل می دهند. آنان طلا و نقره و قلع در ساختن ظروف و اشیای کوچک و از سنگهایی قیمتی به ویژه عقیق، برای ساختن مهره استفاده می کردند. وفور انواع اشیاء و لوازم در نیمه دوم هزاره سوم ق.م. اشاره ای است به وجود ثروت زیاد در سرزمین گرگان . شیوه های گوناگونی به کار رفته در ساختن انواع تولیدات صنعتی ، از یک سو گویای ارتباط با دره رود سند - حتی شاید دورتر با سرزمین چین - و از سوی دیگر ، با آناتولی و بین النهرین در غرب است. یکی از دلایل این ارتباط قرار داشتن این منطقه در سر راه تجارتهای میان شرق و غرب بوده است. فرهنگ سفال خاکستری گرگان به احتمال زیاد در حدود 1900 یا 1800 ق.م. به پایان آمده است. از این تاریخ تا حدود سال 150 # 930 ق.م. ظاهراً به استثنای " تورنگ تپه " بقیه محوطه های باستانی متروک بودند و چیزی از سرنوشت ساکنان آنها بر ما آشکار نیست.

دلیل ترک این محلهای اسکان، به احتمال فراوان هجوم طوایف چادر نشین آریایی از سرزمینهای آسیای مرکزی بوده است. طوایفی که با ورود خود ، شهری را ویران کردند و زندگی در زیر چادرها یا فضای باز را ترجیح دادند. این مهاجران جدید، بعدها حرکت خود را به سمت قسمتهای جنوبی تر ادامه دادند. با توجه به این نکته که " تپه " حصار " و " یاریم تپه " ، شرقی ترین محلهای اسکان در منطقه فرهنگ گرگان بوده و پیش از سایر محوطه ها اسکان در منطقه فرهنگ گرگان بوده و پیش از سایر محوطه ها ویران شده است، شاید بتوان مسیر ورود آریاییهای تازه وارد به ایران را از سرزمینهای شرقی تر آسیای مرکزی مشخص کرد.

در مسیر غرب، مدارک و شواهد چشمگیری ارتباط میان فرهنگهای سفال خاکستری ایران را با آناتولی ، مجمع الجزایر اژه و اروپای مرکزی نشان می دهد. این مدارک مشابه اغلب با مردمی ارتباط می یابند که به زبان هند و اروپایی سخن می گفتند. از سوی دیگر ، فرهنگ سفال خاکستری گرگان در شرق به سرزمین ترکمنستان راه یافت که ما آن را در دوره پنجم استقرار در " نماز گاتپه " مشاهده می کنیم.

شمال غرب ایران

فرهنگ یانیک

در اواسط نیمه اول هزاره سوم ق.م. مهاجمانی از آن سوی کوههای قفقاز و شرق آناتولی از راه آذربایجان شرقی وارد سرزمین ایران شدند و در بخش وسیعی از آن سکنی گزیدند قدیمترین آثار و بقایای این مردم در " یانیک تپه" از طریق سفال خاکستری داغدار شناخته شده است که رنگ آن از خاکستری تا سیاه متفاوت است. این سفالها دست سازند و لبه تقریباً چهار گوش در مقطع ته نوک تیز و ظاهری شبیه به ظروف فلزی دارند و از ظروف سفالی ظریف با بدنه نازک به رنگ خاکستری گران کاملاً متمایزند. سفال یانیک در آغاز دوره اول مفرغ قدیم با طرحهای کنده هندسی و پرشده با خمیری سفید رنگ تزیین شده . در نیمه دوم (دوره دوم مفرغ قدیم) طرحهای کنده جای خود را به طرحهای داغدار داد. مردم فرهنگ یانیک ، سرتاسر شمال آذربایجان تا نیمه شمال دریایچه ارومیه را اشغال کردند.

در یانیک تپه 9 لایه ساختمانی با بناهای مدور متعلق به نیمه اول این فرهنگ مشخص شد. راه ورود به داخل منازل، از طریق بام بوده است. وجود نوع خانه های مدور دریانیک تپه همراه با سفال ویژه این دوره در دو منطقه دیگر در شنگاویت (Shengavit) در قفقاز و در بت یراح (Beth Yerah) در فلسطین، پراکنده مردم فرهنگ عصر مفرغ را در منطقه وسیعی از آسیای غربی آشکار می سازد.

در نیمه دوم فرهنگ یانیک ، خانه های مدور جای خود را به بناهای راست گوشه با یک در ورودی داد. در این خانه ها، دسترسی به پشت بام با نردبان میسر بود. فرهنگ یانیک - در طول نیمه دوم عصر مفرغ قدیم - از راه سرزمینهای کوهستانی رشته کوههای الوند به سمت جنوب ایران به حرکت در آمد و به دشت همدان راه یافت. آثار این فرهنگ، در شماری از تپه های باستانی در بررسیهای منطقه همدان شناسایی شده است. دوره پنجم در گودین را همین اقوام نابود کردند و با استقرار خود در آنجا دوره چهارم گودین را به وجود آوردند. حتی تعدادی از سفال نوع نیمه دوم فرهنگ یانیک ، در تپه " گیان " نهانند نیز گزارش شده است. همچنین در ملایر آثار فرهنگ یانیک در میان بقایای لایه های متعلق به هزاره سوم مشاهده شده است.

فرهنگ یانیک ، در " گوی تپه " در آذربایجان غربی ، در حدود 2050 ق.م. به پایان رسید. در جنوب گودین تپه - تقریباً در همان زمان - با ورود فرهنگ دوره های چهارم و سوم گیان از میان رفت .

ورود فرهنگ یانیک به سرزمین ایران در طول هزاره سوم ق.م. بخشی از حرکت گسترده قبایل و طوایف ساکن در شرق آناتولی و جنوب قفقاز بود که به طور همزمان ، شاخه های دیگری در جهت غرب وارد شمال سوریه و فلسطین شد و فرهنگ خربت کراک (Khirbet Kerak) را بنیان نهاد.

با از میان رفتن فرهنگ یانیک ، سفال تازه ای به رنگ پلی کرم (چند رنگی) به رنگهای قرمز و کرم و سیاه ظاهر شد که با سفال کاپادوکیه و الیشار هویوک در آناتولی مرکزی ارتباط داشت. دارندگان سفال چند رنگی ، در اوایل هزاره دوم ق.م. منطقه غرب دریایچه ارومیه، از گوی تپه در جنوب تا خوی در شمال را به اشغال خود در آوردند.

این سفال در گوی تپه در دوره های D, C ظاهر شد . عناصر تزیینی سفال چند رنگی گوی تپه D, C با وجود تفاوتی در شکل ظروف ، ظاهراً از سنت سفالگری " سفال کاپادوکیه " و تریپالیتی (Trialeti) گرفته شده است. سفال کاپادوکیه در حدود 1900 ق.م. در آناتولی مرکزی ناپدیدشد، اما در تریپالیتی در گرجستان به سالهای 1550 تا 1450 ق.م. تاریخ گذاری شده است. انتساب میانگین دو تاریخ فوق ، یعنی 1900 در آناتولی و 1450 در گرجستان برای آغاز گوی تپه D, C شاید به دور از واقعیت نباشد. وجود یک تک از سفال " نوع خابور" در " دینخواه تپه " در جنوب غربی دریایچه ارومیه ارتباط میان دو منطقه را بیشتر تأیید می کند.

سفال مشخصه نیمه دوم گوی تپه D.C که از اواسط هزاره دوم تا عصر آهن ادامه یافته در دینخواه تپه نیز ظاهر شده است. شکلهای متداول این نوع سفال یعنی کوزه های گردن بلند، کاسه های شکمدار با لبه به خارج برگشته و یا کوزه کروی با لبه ضخیم ، به رنگ خاکستری و قرمز داغدار در عصر آهن در حسنلوی پنجم و دینخواه تپه نیز متداول بود.

از دیگر محوطه های شناخته شده در محدوده فرهنگ یانیک، می توان از " هفتوان تپه " در نزدیکی شهر سلماس یاد کرد که از هفت دوره تشکیل شده است . قدیمترین آنها، دوره هفتم متعلق به دوره سوم عصر مفرغ قدیم (1900-2300 ق.م.) و جدیدترین آنها ، دوره اول متعلق به دوره ساسانی

source:

<http://www.mano-paltalk.net/vorojak/aghaz.htm>

